فصلنامه حسابداری مالی/سال یازدهم/ شماره ٤١ /بهار ٩٨/صفحات ٦٩- ٤٦

تأثیر عوامل محیطی کشورها بر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی

محمد حیدری*
علی اصغرطاهرآبادی **
بابک جمشیدی نوید***
مهرداد قنبری****

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۲۱

چکیده

هدف این پژوهش بررسی تأثیر عوامل محیطی بر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در سطح کشورها است. عوامل محیطی در این پژوهش شامل وجود بازار سرمایه، رشد اقتصادی، باز بودن اقتصاد، نظام حقوقی، سطح آموزش و شاخص‌های فرهنگی از قبیل فاصله قدرت، فردگرایی، مرد گرایی و اجتناب از عدم اطمینان است. الگوهای پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی کشورها بر اساس روش سه‌بخشی تعیین گردید. نمونه پژوهش شامل ۹۳ کشور در مقطع زمانی ۱۳۹۵ بوده و داده‌ها با استفاده از رگرسیون لجستیک چند سطحی تجزیه و تحلیل شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد کشورهایی که در آن‌ها سطح آموزش عمومی و شاخص فاصله قدرت بالا و همچنین رشد اقتصادی، شاخص فردگرایی و شاخص اجتناب از عدم اطمینان پایین می‌باشد تمایل بیشتری بر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی وجود دارد. همچنین متغیر وجود بازار سرمایه، باز بودن اقتصاد،

*دانشجوی دکترای حسابداری، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران
Email: Heydari.hiau@gmail.com
**استادیار گروه حسابداری، واحد کنگاور، دانشگاه آزاد اسلامی، کنگاور، ایران
Email: Taherabady@yahoo.com
***استادیار گروه حسابداری، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول)
Email: Jamshidinavid@gmail.com
****استادیار گروه حسابداری، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران
Email: Mehrdadghanbary@yahoo.com

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-20]

نظام حقوقی و شاخص مرد گرایی تأثیر معناداری بر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی از خود نشان ندادند.

واژه‌های کلیدی: استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، رشد اقتصادی، باز بودن اقتصاد، نظام حقوقی، شاخص‌های فرهنگی.

۱- مقدمه

در شرایطی که اقتصاد جهانی به‌سوی یکپارچگی و هماهنگی حرکت می‌کند تمرکز اصلی حرفه حسابداری نیز پیاده‌سازی یک مجموعه از استانارهای بین‌المللی گزارشگری مالی می‌باشد. استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، استانداردهای جهانی، یکسان، باکیفیت بالا، فهم‌پذیر و لازم‌الاجرا برای گزارشگری می‌باشند. ازنظر بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی پیامدهایی از قبیل افزایش قابلیت مقایسه، ارتقای کیفیت گزارشگری مالی و صرفه‌جویی در زمان و هزینه را به همراه دارد (گراوند، ۱۳۹۳) در حال حاضر فرآیند همگرایی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی دارای وضعیت ناهمگونی می‌باشد به‌طوری‌که طبق گزارش بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی از ۱۶۴ کشور و حوزه قضایی عضو این بنیاد صرفاً ۸۲ کشور استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را به‌طور کامل پذیرفته‌اند و در سایر کشورها و حوزه‌های قضایی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی غیرمجاز یا غیر الزامی یا قسمتی از آن موردپذیرش قرارگرفته است که این موضوع سبب ایجاد تردید جدی در مورد آینده همگرایی و پیامدهای اقتصادی مورد انتظار آن شده است (بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی[1]، ۲۰۱۶). همچنین ازآنجایی‌که حسابداری تابع عوامل محیطی کشورها از قبیل شرایط سیاسی، اجتماعی، قانونی، اقتصادی و فرهنگی جوامع می‌باشد؛ لذا شناخت عوامل محیطی مؤثر بر شکل‌گیری الگوهای گوناگون پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در سطح کشورها هدف اصلی پژوهش خواهد بود؛ براین اساس پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤال است که آیا وجود الگوهای مختلف پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در کشورهای مختلف جهان با ویژگی‌های محیطی کشورها ازجمله سامانه‌های حقوقی، ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشورها ارتباط دارد؟

1 IFRS Foundation

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-20]

وجه تمایز پژوهش حاضر نسبت به پژوهش‌های خارجی پیشین از قبیل آرچمبلت و آرچمبلت[1] (۲۰۰۹)، کلیمنت، نیل و استاول[2] (۲۰۱۰)، لاسمین[3] (۲۰۱۱)، استینبنک[4] (۲۰۱۴)، دیما، دیما، مگان و پیوسان[5] (۲۰۱۴) و پریکوپ[6] (۲۰۱۶) در دو مورد می‌باشد: نخست؛ مطالعات پیشین با استفاده از داده‌های موسسه حسابرسی دیلویت از یک الگوی صفر و یک که دلالت بر پذیرش یا عدم پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی داشته برای طبقه‌بندی کشورها استفاده کرده‌اند اما در پژوهش حاضر با استفاده از داده‌های بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی به‌عنوان تنها مرجع رسمی تدوین استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و بر اساس یک الگوی سه‌بخشی کشورها طبقه‌بندی شده‌اند. دوم؛ اکثر محققان تنها بر ویژگی‌های اقتصادی، سیاسی، حقوقی و اجتماعی به‌عنوان عوامل مؤثر بر شکل‌گیری الگوهای گوناگون پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تأکید نموده‌اند و به عوامل مؤثر دیگر همانند ویژگی‌های فرهنگی کشورها بی‌توجه بوده‌اند و یا توجه اندکی نشان داده‌اند. لازم به ذکر است تنها پژوهش تجربی نیز در ایران توسط خدادادی، واعظ و شجاعی (۱۳۹۵) انجام‌گرفته است که پژوهش حاضر نخست؛ به دلیل مطالعه کلیه کشورهای عضو بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، دوم؛ ارائه یک الگوی سه‌بخشی مبتنی بر داده‌های بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و سوم؛ مطالعه نقش فرهنگ متمایز از پژوهش ایشان می‌باشد. یافته‌های پژوهش حاضر علاوه بر مشارکت در توسعه ادبیات حسابداری درزمینه استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در کشور، باعث افزایش شناخت نهادهای تدوین‌کننده استانداردهای حسابداری ملی و بین‌المللی از عوامل مؤثر بر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در جهت تسریع فرآیند همگرایی بین‌المللی حسابداری خواهد شد. در ادامه چارچوب نظری پژوهش، پیشینه تجربی پژوهش، روش پژوهش، مدل پژوهش و متغیرهای آن، تجزیه و تحلیل نتایج و نتیجه‌گیری بحث شده است.

۲- مبانی نظری پژوهش

بررسی مبانی نظری مرتبط با موضوع، بیانگر وجود عوامل متعدد در شکل‌گیری الگوهای گوناگون پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در سطح کشورها می‌باشد که در

1 Archambault & Archambault
2 Clements, Neill and Stovall
3 Lasmin
4 Stainbank
5 Dima, Dima, Megan and Paiusan
6 Pricope

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-20]

ادامه شش متغیر اصلی بر اساس فراوانی استفاده و وجود اطلاعات در دسترس به شرح ذیل شناسایی شدند:

وجود بازار سرمایه: یکی از عوامل تعیین‌کننده سیستم‌های حسابداری در کشورهای مختلف نظام مالی کشورها می‌باشد که همیشه مورد توجه پژوهشگران قرارگرفته است. در میان کشورهای مختلف تأمین مالی شرکت‌ها عمدتاً از سه منبع بانک، دولت و سهامداران انجام می‌گردد. از دیدگاه نابز[1] (۱۹۹۸) شیوه تأمین مالی شرکت‌ها در فرآیند شکل‌گیری سیستم‌های حسابداری کشورها نقش مهمی ایفا می‌نماید. (ادهیکاری و تندکار[2]، ۱۹۹۲). در کشورهایی که بانک‌ها و دولت مهم‌ترین منبع تأمین شرکت‌ها محسوب می‌شوند شواهد کمتری مبنی بر نیاز به اطلاعات باکیفیت وجود دارد چراکه در این کشورها، بانک‌ها و دولت‌ها به همه اطلاعات داخلی شرکت‌ها دسترسی مستقیم دارند لذا الزامی مبنی بر ارائه اطلاعات باکیفیت برای سرمایه‌گذاران و سهامداران وجود ندارد (ردبو و گری[3]، ۱۹۹۷). در کشورهایی که سهامداران منبع اصلی تأمین مالی شرکت‌ها می‌باشند، سیستم حسابداری گرایش به تأمین نیازهای اطلاعاتی سرمایه‌گذاران انفرادی باهدف کمک به خرید- فروش سهام پیدا می‌کند. ازآنجایی‌که استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی دارای رویکرد بازار محوری می‌باشد لذا مهم‌ترین هدف آن ارائه اطلاعات مربوط به سهامداران می‌باشد. لذا به نظر می‌رسد کشورهای دارای بازار سرمایه تمایل بیشتری بر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی خواهند داشت.

رشد اقتصادی: آرپان و ردبو[4] (۱۹۸۵) معتقدند رشد اقتصادی یک متغیر اساسی است که عمیقاً بر توسعه حسابداری تأثیر می‌گذارد و به دنبال آن سایر بخش‌های جامعه نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد. در شرایطی که فعالیت‌های اقتصادی و تجاری به درجه‌ای از پیچیدگی بالا می‌رسد، به یک سیستم حسابداری باکیفیت، پیچیده و استاندارد نیاز می‌باشد. لذا به نظر می‌رسد کشورهای دارای رشد اقتصادی بالا تمایل بیشتری بر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی خواهند دارند.

اقتصاد باز: اقتصادی که دارای مناسبات تجاری نسبتاً گسترده با سایر کشورها می‌باشد را اقتصاد باز می‌نامند. (گلریز،۱۳۹۰). باز بودن اقتصاد مفهوم نسبی است. کشوری که استراتژی اقتصاد باز را دنبال می‌کند می‌بایست درهای خود را نه‌تنها بر روی تجارت خارجی بلکه بر روی

1 Nobes
2 Adhikari and Tondkar
3 Radebaugh and Gray
4 Arpan and Radebaugh

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-20]

گردش بین‌المللی عوامل تولیدی چون کار، سرمایه و تکنولوژی، باز بگذارد. یکی از الزامات مهم داشتن ارتباطات مالی، تجاری و گردش سرمایه در سطح بین‌المللی و حرکت به سمت اقتصاد باز پذیرش اجباری کنوانسیون‌ها و پیمان‌های بین‌المللی مربوط به بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، سازمان ملل متحد و... در حوزه‌های اقتصادی ازجمله گزارشگری مالی و به‌ویژه استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی جهت ارائه اطلاعات باکیفیت و قابل‌مقایسه می‌باشد. منطق اصلی چنین اجباری نیز افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران و کارایی بازارهای سرمایه در سراسر جهان می‌باشد (میر و رحمان[1]، ۲۰۰۵). براین اساس، تمایل کشورها بر پذیرش استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی را می‌توان بر اساس نظریه نهادی تبیین نمود. دو جامعه‌شناس به نام‌های وودی پاول و پال دی‌مجیو[2] این‌گونه فشار نهادی را به سه گروه فشارهای نهادی اجباری ناشی از قوانین و مقررات، فشارهای نهادی هنجاری ناشی از انتظارات فرهنگی و حرفه‌ای و فشارهای نهادی تقلیدی ناشی از تقلید از سازمان‌های موفق در شرایط عدم اطمینان تقسیم می‌کنند (هچ[3]، ۱۳۹۳). در این راستا، می‌توان گفت در عرصه حسابداری نیز ممکن است کشورها استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را به دلیل فشارهای اجباری نهادهای بین‌المللی موردپذیرش قرار دهند. براین اساس می‌توان گفت در کشورهایی که به لحاظ شاخص اقتصاد باز در سطح بالا می‌باشد، تمایل بیشتری بر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی وجود دارد.

نظام حقوقی: نظام‌های حقوقی چگونگی تعامل افراد و نهادها را تعیین می‌نمایند. در جهان دو نوع نظام حقوقی اصلی وجود دارد: نظام حقوقی مدون و نظام حقوقی عرفی. نظام حقوقی مدون برگرفته از قانون رومی و ناپلئون می‌باشد. در کشورهای دارای نظام حقوقی مدون، قوانین مجموعه‌ای از الزامات جهان‌شمول و کامل هستند و رویه‌ها و استانداردهای حسابداری به‌صورت قانونمند می‌باشند؛ بنابراین در این کشورها قوانین حسابداری زیرمجموعه قوانین ملی هستند و کاملاً دستوری هستند. نظام حقوقی عرفی بر اساس قانون موارد خاص بریتانیا می‌باشد. در بیشتر کشورهای دارای نظام حقوقی عرفی، قوانین حسابداری توسط سازمان‌های حرفه‌ای بخش خصوصی تدوین‌شده است که به قوانین حسابداری اجازه انعطاف‌پذیری و خلاقیت بیشتر می‌دهد و به‌جز الزامات قانونی گسترده، اکثر قوانین حسابداری مستقیماً به قوانین وارد نمی‌شوند. لاپورتا، لوپز، شلیفر و وشینی[4] (۱۹۹۷، ۱۹۹۸) معتقدند بین نظام حقوقی و حمایت

1 Mir and Rahaman
2 Woody Powell and Pual Dimaggio
3 Hatch
4 La Porta, Lopez, Shleifer and Vishny

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-20]

از سهامداران و توسعه بازارهای مالی ارتباط مستقیمی وجود دارد. نظام‌های حقوقی ارتباط مستقیمی با رویه‌های افشا اطلاعات دارد (داپنیک و سالتر[1]، ۱۹۹۵، جاگی و لو[2]، ۲۰۰۰). در کشورهای دارای نظام حقوقی عرفی عدم تقارن اطلاعاتی به‌وسیله افشا بیشتر اطلاعات به سهامداران از بین می‌رود و استانداردهای حسابداری در این کشورها شفاف‌تر است و به دلیل سطح بالای حمایت از سرمایه‌گذاران و بازارهای مالی توسعه‌یافته استانداردهای حسابداری بهنگام تری دارند (اعتمادی، سپاسی و احمدیان، ۱۳۹۶). لذا در کشورهای دارای نظام حقوقی عرفی استانداردهای حسابداری متمایل به استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی می‌باشد و این کشورها تمایل بیشتری بر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی دارند.

سطح آموزش: بین سطح تحصیلات شهروندان یک کشور و توسعه سیستم‌های گزارشگری و حسابداری مالی، در آن کشور، رابطه مستقیم وجود دارد. هگارت، گیلن و باروز[3] (۲۰۰۴) معتقدند به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی به افراد متخصص نیاز دارد که بستگی به فراهم نمودن فرصت آموزش کافی و مرتبط برای افراد دارد. با توجه به پیشرفت‌های قابل‌توجه حسابداری، نه‌تنها آگاهی از دانش‌ها و مهارت‌های دنیای امروزی در محیط تجاری کنونی برای متخصصان حسابداری امری حیاتی است (پورحیدری و راجی‌زاده، ۱۳۹۰) بلکه علاوه بر حسابداران و حسابرسان باید مدرسین، نهادهای تدوین‌کننده مقررات و استفاده‌کنندگان از گزارش‌ها نیز آموزش کافی فرابگیرند. لذا کشورهایی که جمعیت آن‌ها از تحصیلات بالایی برخوردار می‌باشد برای تأمین نیازهای اطلاعاتی مالی تمایل بیشتری بر استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی خواهند داشت.

فرهنگ: ویولت[4] یکی از نخستین پژوهشگران حوزه فرهنگ و حسابداری معتقد است حسابداری یک نهاد اجتماعی ایجادشده به‌وسیله فرهنگ‌ها است و بدان وسیله پدیده‌های اجتماعی مشخص رخداده را از مجرای دادوستدهای اقتصادی شرح و گزارش می‌دهند. (دیگان و آنرمن[5]،۱۳۹۱). از دیدگاه هافستد[6] (۱۹۸۰) چهار بعد فرهنگ ملی یا ارزش‌های اجتماعی عبارت‌اند از فاصله قدرت، فردگرایی در برابر جمع‌گرایی، مرد گرایی در برابر زن گرایی، اجتناب

1 Doupnik and Salter
2 Jaggi and Low
3 Hegarty, Gielen and Barros
4 Violet
5 Deegan & Unerman
6 Hofstede

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-20]

از عدم اطمینان. بسیاری از پژوهش‌ها از ابعاد فرهنگی هافستد در حوزه حسابداری استفاده کرده‌اند (ریاحی بلکویی، ۱۳۹۲) که در ادامه تشریح می‌شود.

فاصله قدرت: فاصله پایین قدرت در مقایسه با فاصله بالا نشان‌دهنده حدود یا میزانی است که اعضای یک جامعه توزیع نابرابر قدرت در نهادها و سازمان‌ها را می‌پذیرند. کشورهایی که دارای فاصله قدرت بالا هستند، بسیار متمرکز و کشورهای دارای فاصله قدرت پایین غیرمتمرکز می‌باشند. لذا در کشورهای دارای فاصله قدرت بالا، سیستم حسابداری در جهت توجیه اقدامات و تصمیمات افراد و نیروهای دارای قدرت مورداستفاده قرار می‌گیرد. چن، لین و مو[1] (۲۰۰۳) معتقدند در کشورهای دارای فاصله قدرت بالا به دلیل نادیده گرفته شدن کنترل‌های مدیریتی و نبود کارکنان شایسته، اشتباهات و خطاهای حسابداری زیادی به وجود می‌آید. در چنین شرایطی به دستورالعمل‌های حسابداری نظام‌مند و ساختاریافته نیاز می‌باشد. براین اساس در این کشورها تمایل زیادی به پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی وجود دارد.

فردگرایی در برابر جمع‌گرایی: این شاخص درجه یا میزان وابستگی متقابل بین افراد جامعه را نشان می‌دهد. در جامعه جمع‌گرا چارچوب اجتماعی دارای تاروپود درهم‌تنیده است و هر فرد چنین انتظار دارد که خویشان، افراد قبیله و سایر افراد درون گروه به امور او رسیدگی کنند و درازای آن وی نسبت به آنان وفادار خواهد بود. کشورهای جمع‌گرا به دلیل استفاده از منافع بلندمدت مورد انتظار برای همه افراد جامعه تمایل زیادی به پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی دارند.

مرد گرایی در برابر زن گرایی: مقصود از مرد گرایی این است که اعضای جامعه دارای روحیه برتری‌جویی، قهرمان‌پروری، ابراز وجود و درصدد کسب موفقیت‌های مادی هستند به‌عبارت‌دیگر در یک جامعه مردسالار، ارزش‌های قاطعانه ازجمله موقعیت، پول و جسارت غالب است. لذا با توجه به اینکه کشورهای دارای روحیه مرد گرایی، استقلال و اعتمادبه‌نفس بالایی دارند لذا تمایل کمتری به پذیرش استانداردهای حسابداری نهادهای خارجی دارند.

اجتناب از عدم اطمینان: این شاخص نشان‌دهنده درجه یا میزانی که اعضای جامعه نسبت به ابهام و عدم اطمینان احساس ناراحتی می‌کنند. در جوامعی که مردم از پدیده عدم اطمینان اجتناب نمی‌نمایند، در برابر ابهام بردبار هستند و تمایل دارند با این پدیده به سر برند. در این رابطه، هافستد معتقد است در جوامع دارای اجتناب از عدم اطمینان بالا، مدیریت علاقه کمتری به انجام تصمیمات ریسک دار دارد لذا در این کشورها مدیران از انجام تغییرات درزمینه قوانین

1 Chan & Lin & Mo

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-20]

و مقررات ازجمله استانداردهای حسابداری اجتناب می‌نمایند لذا تمایل کمتری بر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی وجود دارد.

۳- پیشینه تجربی پژوهش

پریکوپ (۲۰۱۶) در پژوهشی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی توسط کشورهای درحال‌توسعه را از دیدگاه تئوری نهادگرایی موردبررسی قراردادند. طبق یافته‌های پژوهش مذکور، فرآیند پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بیشتر تحت تأثیر عوامل تقلیدی در مقایسه با عوامل هنجاری و اجباری می‌باشد.

استینبنک (۲۰۱۴) در پژوهشی تأثیر رشد اقتصادی، سطح آموزش، باز بودن اقتصاد، فرهنگ و اندازه بازار سرمایه را در پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی ۳۲ کشور آفریقایی موردبررسی قرارداد. طبق نتایج پژوهش مذکور کشورهای آفریقایی به دلیل نرخ رشد بالا، تمایل بیشتری بر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی دارند. همچنین در کشورهای دارای بازار سرمایه قوی و کشورهایی که به لحاظ فرهنگی با بریتانیا در ارتباط می‌باشند، تمایل بیشتری بر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی وجود دارد.

شیما و یانگ[1] (۲۰۱۲) در پژوهشی نقش عوامل محیطی کشورها را بر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی موردبررسی قراردادند. نتایج پژوهش مذکور بیانگر این است که عوامل اقتصادی و سیاسی، وابستگی به تأمین مالی خارجی، نظام حقوقی عرفی، نیاز به سرمایه‌گذاری بیشتر و نرخ باسوادی بالاتر سبب افزایش تمایل و همچنین اندازه بازار سرمایه، مالیات و تورم سبب کاهش تمایل بر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی می‌گردد.

لاسمین (۲۰۱۱) در پژوهشی عوامل مؤثر بر پذیرش یا عدم پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی توسط ۱۶۱ کشور را موردبررسی قرارداد. یافته‌های پژوهش مذکور بیانگر این است که کشورها به دلیل استفاده از پیامدهای اقتصادی نسبت به پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی اقدام نمی‌کنند بلکه مهم‌ترین هدف آن‌ها پذیرش و عضویت در نهادهای بین‌المللی می‌باشد.

آرچمبلت و آرچمبلت (۲۰۰۹) در پژوهشی تأثیر عوامل فرهنگی، سیاسی و اقتصادی را بر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را در بین ۱۲۰ کشور موردبررسی قراردادند.

1 Shima and Yang

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-20]

نتایج پژوهش مذکور بیانگر این است که نرخ سواد و خالص واردات تأثیر مثبتی بر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی دارد.

زگال و مدبی[1] (۲۰۰۶) در پژوهشی عوامل مؤثر بر پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری را در کشورهای درحال‌توسعه موردبررسی قراردادند. یافته‌های پژوهش مذکور بیانگر این است که متغیرهای سطح تحصیلات، وجود بازارهای مالی، تشابه فرهنگی رابطه مثبت و معناداری با پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری دارند.

همچنین تنها مطالعه انجام‌شده در ایران به شرح زیراست:

خدادادی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی عوامل مؤثر بر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را در کشورهای درحال توسعه مورد بررسی قراردادند. طبق یافته‌های پژوهش مذکور، رشد اقتصادی تأثیر معکوس و معنادار و آموزش و وجود بازار سرمایه تأثیر مستقیم و معناداری بر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در کشورهای درحال‌توسعه دارند. همچنین متغیر باز بودن اقتصاد تأثیر معناداری در پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی ندارد.

۴- فرضیه‌های پژوهش

با توجه به آنچه در بخش مبانی نظری در مورد عوامل محیطی مؤثر بر الگوهای پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی کشورها ارائه شد و همچنین همسویی این مبانی با عمده شواهد تجربی مربوطه، فرضیه‌های پژوهش بدین شرح مطرح می‌گردد:

فرضیه اول: وجود بازار سرمایه بر الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی کشورها تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد.

فرضیه دوم: رشد اقتصادی بر الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی کشورها تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد.

فرضیه سوم: باز بودن اقتصاد بر الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی کشورها تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد.

فرضیه چهارم: نظام حقوقی عرفی بر الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی کشورها تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد.

فرضیه پنجم: سطح آموزش بر الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی کشورها تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد.

1 Zeghal & Mhedhbi

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-20]

فرضیه ششم: شاخص‌های فرهنگی بر الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی کشورها تأثیر معنی‌داری دارد.

فرضیه فرعی ۶-۱: شاخص فاصله قدرت بر الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی کشورها تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد.

فرضیه فرعی ۶-۲: شاخص فردگرایی بر الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی کشورها تأثیر منفی و معنی‌داری دارد.

فرضیه فرعی ۶-۳: شاخص مرد گرایی بر الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی کشورها تأثیر منفی و معنی‌داری دارد.

فرضیه فرعی ۶-۴: شاخص اجتناب از عدم اطمینان بر الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی کشورها تأثیر منفی و معنی‌داری دارد.

۵- روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از منظر هدف پژوهش کاربردی می‌باشد چراکه در جهت پاسخ به یک مسئله مطرح در دنیای واقعی انجام می‌شود؛ از منظر نوع داده‌ها، پژوهش کمی می‌باشد چراکه شامل گردآوری سیستماتیک داده‌ها و تحلیل آماری آن‌ها می‌باشد؛ از منظر بعد زمانی، پژوهش گذشته‌نگر می‌باشد چراکه از اطلاعات و داده‌های سال‌های قبل برای بررسی ارتباط بین متغیرها استفاده می‌کند؛ از منظر روش اجرا پژوهش توصیفی-پیمایشی و از نوع علّی می‌باشد. در این پژوهش برای گرداوری داده‌ها از روش اسناد کاوی یا روش کتابخانه‌ای استفاده‌شده است. لذا با مراجعه به کتب، مجلات، پایان‌نامه‌ها و سایت‌های اینترنتی مبانی نظری و پیشینه پژوهش و داده‌های پژوهش گردآوری گردید. جامعه آماری پژوهش، متشکل از کشورها و حوزه‌های قضایی عضو بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در سال ۱۳۹۵ می‌باشد، لذا در گام اول لیست کشورها و حوزه‌های قضایی از سایت اینترنتی بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی استخراج و در ادامه با استفاده از روش حذف سیستماتیک، کشورها و حوزه‌های قضایی که داده‌های آن‌ها در دسترس نبودند، حذف‌شده و درنهایت طبق جدول (۱)، تعداد ۹۳ کشور برای انجام آزمون انتخاب گردیدند.

جدول (۱): تعیین تعداد کشورهای مورد بررسی

شرح	تعداد
کشورهای عضو بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در سال ۱۳۹۵	۱۶۴
کشورهایی که داده‌های مربوط به متغیر اقتصاد باز آن‌ها در دسترس نبود.	(۱۱)
کشورهایی که داده‌های مربوط به متغیر رشد اقتصادی آن‌ها در دسترس نبود.	(۱)
کشورهایی که داده‌های مربوط به متغیر فرهنگ آن‌ها در دسترس نبود.	(۵۹)
تعداد کشورهای نمونه	۹۳

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-20]

در گام دوم برای تعیین وضعیت پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی کشورهای موردبررسی (متغیر وابسته پژوهش)، ابتدا پروفایل کشورها از سایت بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی استخراج و سپس بر اساس الگوی جدول (۲) طبقه‌بندی شدند:

جدول (۲): الگوی طبقه‌بندی کشورها بر اساس وضعیت پذیرش

گروه	وضعیت پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در کشورها
اول	غیرمجاز و غیر الزامی
دوم	الزامی یا مجاز برای برخی از شرکت‌ها
سوم	الزامی برای همه شرکت‌ها

و در ادامه بر اساس اطلاعات استخراج‌شده از پروفایل کشورها و مطابقت آن با الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، کشورها در سه گروه طبقه‌بندی شدند.

در گام سوم، داده‌های مربوط به متغیرهای مستقل پژوهش طبق تعریف عملیاتی آن‌ها، گردآوری، محاسبه و پس‌ازآن به‌منظور شناخت ویژگی‌های این متغیرها شاخص‌های توصیفی آن‌ها مطالعه شد. سپس برای بررسی فرضیه‌های تحلیل رگرسیون لجستیک چند سطحی انجام‌شده است. از رگرسیون لجستیک چند سطحی (چندجمله‌ای) زمانی که متغیر وابسته یک متغیر اسمی چندحالتی مستقل کمی، کیفی یا ترکیبی از این دو باشند، استفاده می‌شود. (حسینی و ضیائی، ۱۳۹۳). لازم به ذکراست که فرآیند محاسبه متغیرها با استفاده از نرم‌افزار اکسل صورت پذیرفت و تمامی رویه‌های آماری (اعم از توصیفی و استنباطی) از طریق نرم‌افزار تحلیل آماری SPSS 22 اعمال گردید.

۶- الگو و متغیرهای پژوهش

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، مدل شماره (۱) مورداستفاده قرارگرفته است:

$$\text{IFRSAP}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{Bo}_{it} + \beta_2 \text{ECO}_{it} + \beta_3 \text{OE}_{it} + \beta_4 \text{LS}_{it} + \beta_5 \text{EL}_{it} + \beta_6 \text{CulPDI}_{it} + \beta_7 \text{CulIDV}_{it} + \beta_8 \text{CulMAS}_{it} + \beta_9 \text{CulUAI}_{it} + \varepsilon \quad \text{مدل (۱)}$$

متغیرها در مدل فوق به شرح زیر می‌باشد:

۶-۱- متغیر وابسته

IFRSAP: بیانگر وضعیت پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در کشورها طبق الگوی جدول (۲) می‌باشد. براین اساس کشورهای گروه اول، گروه دوم و گروه سوم به ترتیب با کد صفر، یک و دو کدگذاری شدند.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-20]

۶-۲- متغیرهای مستقل

Bo: بیانگر وجود یا عدم وجود بازار سرمایه در کشورها می‌باشد. به استناد پژوهش زگال و مدبی (۲۰۰۶) کشورهای دارای بازار سرمایه (بورس) با کد یک و کشورهای بدون بازار سرمایه با کد صفر کدگذاری شده‌اند.

ECO: بیانگر میانگین نرخ رشد سالیانه تولید ناخالص داخلی سرانه کشورها طی سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۱۱ می‌باشد (زگال و مدبی، ۲۰۰۶).

OE: شاخص اندازه‌گیری باز بودن اقتصاد می‌باشد که استناد پژوهش عطرکار روشن و هاشمی (۱۳۹۵) از مجموع صادرات و واردات تقسیم بر تولید ناخالص داخلی به دست می‌آید.

LS: بیانگر نظام حقوقی کشورها می‌باشد که به استناد پژوهش شیما و یانگ (۲۰۱۲) برای کشورهای دارای نظام حقوقی عرفی و سایر به ترتیب از کد یک و صفر استفاده می‌شود.

EL: بیانگر نرخ باسوادی بزرگسالان (افراد ۱۵ سال به بالا) می‌باشد (شیما و یانگ، ۲۰۱۲).

CULPDI: بیانگر رتبه فاصله قدرت کشورها می‌باشد.

CULIDV: بیانگر رتبه فردگرایی کشور می‌باشد.

CULMAS: بیانگر رتبه مرد گرایی کشور می‌باشد.

CULUAI: بیانگر رتبه اجتناب از عدم اطمینان کشور می‌باشد. شاخص‌های فرهنگی فوق به استناد پژوهش‌های چن و همکاران (۲۰۰۳) و کلیمنت و همکاران (۲۰۱۰) می‌باشد که براین اساس کشورها از ۱ تا ۱۰۰ رتبه‌بندی می‌شوند.

لازم به ذکراست داده‌های مربوط به متغیر Bo (وجود یا عدم وجود بازار)، ECO (نرخ رشد سالیانه تولید ناخالص داخلی سرانه) و OE (باز بودن اقتصاد) و EL (نرخ باسوادی بزرگسالان) از سایت اینترنتی بانک جهانی؛ متغیر LS (نظام حقوقی) از سایت اینترنتی دانشگاه اتاوا و متغیرهای فرهنگی (فاصله قدرت، فردگرایی، مرد گرایی، اجتناب از عدم اطمینان) از سایت اینترنتی رسمی موسسه هافستد به تفکیک کشورها استخراج شده است.

۷- یافته‌های پژوهش

۷-۱- آماره‌های توصیفی

محاسبات آمار توصیفی متغیرهای پژوهش شامل میانگین، میانه، انحراف معیار، بیشینه و کمینه است که اطلاعات مرتبط با آن‌ها به‌طور خلاصه در جدول (۳) نشان داده‌شده است.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-20]

جدول (۳): آمار توصیفی متغیرها

متغیرهای پژوهش	نماد	میانگین	میانه	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
رشد اقتصادی	ECO	۲/۰۵	۱/۸۵	۱/۹۱	-۳/۳۹	۷/۳۳
اقتصاد باز	OE	۹۴/۵۹	۷۳/۴۴	۶۹/۷۱	۲۱/۱۲	۴۱۰/۱۷
سطح آموزش	EL	۸۹/۶۲	۹۵/۶۹	۱۵/۶۲	۳۲/۴۳	۱۰۰
فرهنگ	Cul	۵۳/۸۳	۵۴	۹/۱۴	۳۲/۷۵	۷۵/۷۵
فاصله قدرت	CULPDI	۶۳/۵۱	۶۶	۲۱/۶۳	۱۱	۱۰۰
فردگرایی	CULIDV	۳۹/۹۵	۳۰	۲۲/۴۲	۶	۹۱
مرد گرایی	CULMAS	۴۶/۸۱	۴۵	۱۸/۹۵	۵	۱۰۰
اجتناب از عدم اطمینان	CULUAI	۶۵/۰۴	۶۵	۲۲/۳۱	۸	۱۰۰

در تحلیل توصیفی، صرفاً متغیرهای کمی از قبیل رشد اقتصادی، اقتصاد باز، سطح آموزش و فرهنگ موردبررسی قرارگرفته است. میانگین پرکاربردترین شاخص مرکزی و نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است. برای مثال میانگین متغیر رشد اقتصادی برابر با ۲/۰۵ می‌باشد که نشان می‌دهد بیشتر داده‌های مربوط به این متغیر حول این نقطه تمرکزیافته‌اند. میانه یکی دیگر از شاخص‌های مرکزی است که وضعیت جامعه را نشان می‌دهد. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد میانه متغیر رشد اقتصادی برابر با ۱/۸۵ می‌باشد که بیانگر این است که نیمی از داده‌ها کمتر از این مقدار ونمی دیگر بیشتر از این مقدار هستند. همچنین با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش و نزدیک به هم بودن میانگین و میانه در بیشتر متغیرهای پژوهش، می‌توان بیان کرد که کلیه متغیرها از توزیع مناسبی برخوردار هستند. در ارتباط با شاخص‌های فرهنگ باید توجه داشت این شاخص‌ها به‌صورت طیف صفر الی صد می‌باشند به‌عنوان‌مثال کمترین مقدار شاخص مرد گرایی عدد ۵ برای کشور سوئد می‌باشد که کاهش این شاخص به معنی افزایش شاخص زن گرایی در آن کشور است. لازم به ذکراست مقدار شاخص فرهنگ از میانگین شاخص‌های چهارگانه فاصله قدرت، فردگرایی، مرد گرایی و اجتناب از عدم اطمینان به‌دست‌آمده است.

۷-۲- برازش مدل برآورد شده

۷-۲-۱- آزمون کای دو

برای بررسی معنی‌دار بودن مدل رگرسیون لجستیک به‌جای آماره F از آزمون نسبت درست نمایی و آماره کای دو استفاده می‌شود (دیانتی دیلمی، ۱۳۹۵). این آزمون نشان می‌دهد آیا متغیرهای مستقل مدل بر متغیر وابسته اثر دارد یا خیر. فرض صفر این آزمون بیانگر عدم معنادار بودن مدل می‌باشد. در جدول (۵) مقدار آماره کای دو ۷۵/۲۸۵ می‌باشد که حاصل تفاوت مقدار مدل صفر (مدلی که تنها مقدار ثابت در آن وجود دارد) و مدل نهایی است.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-20]

ازآنجایی‌که سطح معناداری مشاهده‌شده (۰/۰۰۰) از سطح خطای آزمون (۰/۰۵) کمتر است، لذا مدل نهایی توانسته است مدل صفر را بی‌اثر سازد و مدل مناسبی برای پیش‌بینی متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل باشد درنتیجه حداقل یکی از ضرایب تأثیر برآورد شده معنی‌دار هستند.

۷-۲-۲- ضریب تعیین نگلرک

ضریب تعیین نگلرک نشان‌دهنده میزان وابستگی میان متغیر وابسته و مستقل می‌باشد و همان نقش R^2 را در رگرسیون چند متغیره ایفا می‌کند (دیانتی دیلمی، ۱۳۹۵). در جدول (۵) ضریب تعیین نگلرک ۰/۳۹ می‌باشد؛ بنابراین مدل برازش شده توانسته است ۳۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته را از طریق تغییرات متغیرهای مستقل تبیین کند. لازم به توضیح است که در مدل‌های رگرسیون لجستیک توان پیش‌بینی در حدود ۲۰ الی ۳۰ درصد توان مناسبی می‌باشد (بنی مهد، ۱۳۹۰). ازاین‌رو این مقدار برای مدل مناسب به نظر می‌رسد.

۷-۲-۳- درصد پیش‌بینی کلی مدل

نتایج ارائه‌شده در جدول (۵) بیانگر این است درصد پیش‌بینی کلی مدل در سطح ۶۶/۱ درصد است. ازآنجاکه درروش رگرسیون لجستیک، درصد پیش‌بینی مدل باید بالای ۵۰٪ باشد تا قابل‌قبول باشد (بنی مهد، ۱۳۹۰)، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که درصد پیش‌بینی مدل در پژوهش حاضر مناسب است.

۷-۳- بررسی معنی‌داری و تفسیر ضرایب تأثیر برآورد شده متغیرها

نتایج ارائه‌شده در جدول (۴) نشان می‌دهند که سطح معنی‌داری مشاهده‌شده برای متغیرهای رشد اقتصادی (۰/۰۰۱)، سطح آموزش (۰/۰۰۱)، شاخص فاصله قدرت (۰/۰۴۲)، شاخص فردگرایی (۰/۰۰۸) و شاخص اجتناب از عدم اطمینان (۰/۰۲۰) از سطح ۰/۰۵ کمتراست.

جدول (۴): نتایج آزمون نسبت درست نمایی

متغیر	آماره کای اسکوئر	سطح معنی‌داری	نتیجه
وجود بازار سرمایه	۴/۶۳۴	۰/۰۹۹	معنی‌دار نیست
رشد اقتصادی	۱۳/۶۶۱	۰/۰۰۱	معنی‌دار است
باز بودن اقتصاد	۰/۸۸۲	۰/۶۴۳	معنی‌دار نیست
نظام حقوقی	۴/۹۰۱	۰/۰۸۶	معنی‌دار نیست
سطح آموزش	۱۴/۵۵۲	۰/۰۰۱	معنی‌دار است
شاخص فاصله قدرت	۶/۳۵۰	۰/۰۴۲	معنی‌دار است
شاخص فردگرایی	۹/۵۹۲	۰/۰۰۸	معنی‌دار است
شاخص مرد گرایی	۰/۵۹۳	۰/۷۴۳	معنی‌دار نیست
شاخص اجتناب از عدم اطمینان	۷/۷۷۶	۰/۰۲۰	معنی‌دار است

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-20]

درنتیجه فرض صفر آزمون نسبت درست نمایی مبنی بر نقش غیر معنی‌دار این متغیرها در بهبود برازش مدل رد می‌شود و می‌توان بیان کرد که تأثیر این متغیرها بر متغیر وابسته معنی‌دار است. درباره متغیرهای وجود بازار سرمایه، باز بودن اقتصاد، نظام حقوقی و شاخص مرد گرایی سطح معنی‌داری مشاهده‌شده از ۰/۰۵ بیشتراست و درنتیجه این متغیرها نتوانسته‌اند تأثیر معنی‌داری در بهبود برازش مدل داشته باشند و می‌توان بیان کرد که تأثیر آن‌ها بر متغیر وابسته معنی‌دار نیست.

۷-۴- نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

در جدول (۵) ضرایب تأثیر برآورد شده همراه با نتایج آزمون والد برای بررسی معنی‌داری این ضرایب نشان داده‌شده است.

جدول (۵): نتایج مدل رگرسیون لجستیک سه سطحی

	متغیرها	ضرایب	خطای معیار	آماره‌ی والد	درجه آزادی	سطح معناداری	نسبت شانس	فاصله اطمینان ۹۵٪ برای نسبت شانس	
								حد پایین	حد بالا
الگوی غیرمجاز- غیر الزامی نسبت به الگوی الزامی- همه	مقدار ثابت	-۰/۷۳۶	۲/۳۹۶	۰/۰۹۴	۱	۰/۷۵۹			
	رشد اقتصادی	۰/۵۸۱	۰/۱۷۱	۱۱/۵۳۸	۱	۰/۰۰۱	۱/۷۸۸	۱/۲۷۹	۲/۵۰۱
	باز بودن اقتصاد	۰/۰۰۴	۰/۰۰۵	۰/۶۴۵	۱	۰/۴۲۲	۱/۰۰۴	۰/۹۹۵	۱/۰۱۳
	سطح آموزش	-۰/۰۶۶	۰/۰۱۸	۱۳/۴۳۷	۱	۰/۰۰۰	۰/۹۳۶	۰/۹۰۴	۰/۹۷۰
	فاصله قدرت	-۰/۰۳۲	۰/۰۱۶	۳/۸۶۵	۱	۰/۰۴۹	۰/۹۶۹	۰/۹۳۹	۱/۰۰۰
	فردگرایی	۰/۰۳۰	۰/۰۱۶	۳/۴۶۵	۱	۰/۰۶۳	۱/۰۳۱	۰/۹۹۸	۱/۰۶۴
	مرد گرایی	۰/۰۱۴	۰/۰۱۸	۰/۵۹۰	۱	۰/۴۴۲	۱/۰۱۴	۰/۹۷۸	۱/۰۵۱
	اجتناب از عدم اطمینان	۰/۰۴۱	۰/۰۱۶	۶/۷۹۲	۱	۰/۰۰۹	۱/۰۴۲	۱/۰۱۰	۱/۰۷۵
	وجود بازار سرمایه	۲/۸۶۴	۱/۳۷۹	۴/۳۱۴	۱	۰/۰۳۸	۱۷/۵۲۷	۱/۱۷۵	۲۶۱/۴۵۸
	نظام حقوقی	۰/۵۷۷	۰/۹۹۴	۰/۳۳۷	۱	۰/۵۶۱	۱/۷۸۱	۰/۲۵۴	۱۲/۴۹۰
الگوی مجاز - الزامی برخی نسبت به الگوی الزامی - همه	مقدار ثابت	-۰/۱۴۷	۱/۵۰۷	۰/۰۰۹	۱	۰/۹۲۲			
	رشد اقتصادی	۰/۲۱۰	۰/۰۹۸	۴/۵۹۶	۱	۰/۰۳۲	۱/۲۳۴	۱/۰۱۸	۱/۴۹۴
	باز بودن اقتصاد	۰/۰۰۰	۰/۰۰۳	۰/۰۰۱	۱	۰/۹۷۷	۱/۰۰۰	۰/۹۹۴	۱/۰۰۶
	سطح آموزش	-۰/۰۲۶	۰/۰۱۳	۳/۷۱۴	۱	۰/۰۵۴	۰/۹۷۵	۰/۹۴۹	۱/۰۰۰
	فاصله قدرت	-۰/۰۲۰	۰/۰۰۹	۴/۶۶۳	۱	۰/۰۳۱	۰/۹۸۰	۰/۹۶۲	۰/۹۹۸
	فردگرایی	۰/۰۲۹	۰/۰۱۰	۸/۵۵۶	۱	۰/۰۰۳	۱/۰۳۰	۱/۰۱۰	۱/۰۵۰
	مرد گرایی	۰/۰۰۲	۰/۰۱۰	۰/۰۴۹	۱	۰/۸۲۵	۱/۰۰۲	۰/۹۸۳	۱/۰۲۱
	اجتناب از عدم اطمینان	۰/۰۱۶	۰/۰۰۹	۳/۰۷۴	۱	۰/۰۸۰	۱/۰۱۶	۰/۹۹۸	۱/۰۳۵
	وجود بازار سرمایه	۱/۵۹۶	۰/۹۳۹	۲/۸۸۵	۱	۰/۰۸۹	۴/۹۳۱	۰/۷۸۲	۳۱/۰۸۷
	نظام حقوقی	۱/۲۹۳	۰/۶۱۰	۴/۴۹۷	۱	۰/۰۳۴	۳/۶۴۳	۱/۱۰۳	۱۲/۰۳۴
	ضریب تعیین نگلرک	۰/۳۹۰		آماره کای اسکوئر				۷۵/۲۸۵	
	Baseline log-likelihood	۳۵۷/۰۶۹		سطح معناداری				۰/۰۰۰	
	Model log-likelihood	۲۸۱/۷۸۵		درصد پیش‌بینی درست مدل				۶۶/۱	

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-20]

تفسیر هریک از ضرایب به ترتیب فرضیه‌های یک الی شش به شرح زیر است:

نتیجه آزمون فرضیه یک: بر اساس نتایج جدول (۴) برای متغیر «وجود بازار سرمایه» ضریب رگرسیونی معنی‌دار نشده است، بنابراین «وجود بازار سرمایه» بر انتخاب الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تأثیر معنی‌داری ندارد.

نتیجه آزمون فرضیه دو: با افزایش یک واحد در متغیر «رشد اقتصادی» لگاریتم احتمال پذیرش «الگوی غیرمجاز- غیر الزامی» نسبت به پذیرش «الگوی الزامی- همه» به‌طور متوسط ۰/۵۸۱ واحد افزایش می‌یابد. همچنین با افزایش یک واحد در این متغیر لگاریتم احتمال پذیرش «الگوی مجاز- الزامی برخی» نسبت به پذیرش «الگوی الزامی- همه» به‌طور متوسط ۰/۲۱۰ واحد افزایش می‌یابد؛ بنابراین «رشد اقتصادی» بر انتخاب الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تأثیر معکوس و معنی‌داری دارد.

نتیجه آزمون فرضیه سه: بر اساس نتایج جدول (۴) برای متغیر «اقتصاد باز» ضریب رگرسیونی معنی‌دار نشده است، بنابراین «اقتصاد باز» بر انتخاب الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تأثیر معنی‌داری ندارد.

نتیجه آزمون فرضیه چهار: بر اساس نتایج جدول (۴) برای متغیر «نظام حقوقی» ضریب رگرسیونی معنی‌دار نشده است، بنابراین «نظام حقوقی» بر انتخاب الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تأثیر معنی‌داری ندارد.

نتیجه آزمون فرضیه پنج: با افزایش یک واحد در متغیر «سطح آموزش» لگاریتم احتمال پذیرش «الگوی غیرمجاز- غیر الزامی» نسبت به پذیرش «الگوی الزامی- همه» به‌طور متوسط ۰/۰۶۶ واحد کاهش می‌یابد. همچنین با افزایش یک واحد در این متغیر لگاریتم احتمال پذیرش «الگوی مجاز- الزامی برخی» نسبت به پذیرش «الگوی الزامی- همه» به‌طور متوسط ۰/۰۲۶ واحد کاهش می‌یابد؛ بنابراین «سطح آموزش» بر انتخاب الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد.

نتیجه آزمون فرضیه فرعی اول از اصلی ششم: با افزایش یک واحد در متغیر «شاخص فاصله قدرت» لگاریتم احتمال پذیرش «الگوی غیرمجاز- غیر الزامی» نسبت به پذیرش «الگوی الزامی- همه» به‌طور متوسط ۰/۰۳۲ واحد کاهش می‌یابد. همچنین با افزایش یک واحد در این متغیر لگاریتم احتمال پذیرش «الگوی مجاز- الزامی برخی» نسبت به پذیرش «الگوی الزامی- همه» به‌طور متوسط ۰/۰۲۰ واحد کاهش می‌یابد؛ بنابراین «شاخص فاصله قدرت» بر انتخاب الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-20]

نتیجه آزمون فرضیه فرعی دوم از اصلی ششم: با افزایش یک واحد در متغیر «شاخص فردگرایی» لگاریتم احتمال پذیرش «الگوی مجاز- الزامی برخی» نسبت به پذیرش «الگوی الزامی- همه» به‌طور متوسط ۰/۰۲۹ واحد افزایش می‌یابد؛ بنابراین «شاخص فردگرایی» بر انتخاب الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تأثیر معکوس و معنی‌داری دارد.

نتیجه آزمون فرضیه فرعی سوم از اصلی ششم: بر اساس نتایج جدول (۴) برای متغیر «شاخص مرد گرایی» ضریب رگرسیونی معنی‌دار نشده است، بنابراین «شاخص مرد گرایی» بر انتخاب الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تأثیر معنی‌داری ندارد.

نتیجه آزمون فرضیه فرعی چهارم از اصلی ششم: با افزایش یک واحد در متغیر «شاخص اجتناب از عدم اطمینان» لگاریتم احتمال پذیرش «الگوی غیرمجاز- غیر الزامی» نسبت به پذیرش «الگوی الزامی- همه» به‌طور متوسط ۰/۰۴۱ واحد افزایش می‌یابد؛ بنابراین «شاخص اجتناب از عدم اطمینان» بر انتخاب الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تأثیر معکوس و معنی‌داری دارد.

۸- بحث و نتیجه‌گیری

ازآنجایی‌که رویه‌ها و استانداردهای حسابداری هر کشور ناشی از تعامل پیچیده عوامل اقتصادی، تاریخی، سازمانی و فرهنگی می‌باشد و تنوع بین کشورها نیز قابل پیش‌بینی می‌باشد لذا شناخت عوامل مؤثر بر توسعه حسابداری ملی کشورها می‌تواند به تشریح تنوع استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در میان کشورها کمک کند. ازاین‌رو هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر عوامل محیطی کشورها بر الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در نظر گرفته شد. در این راستا مشخص شد که عواملی مانند وجود بازار سرمایه، رشد اقتصادی، باز بودن اقتصاد، نظام حقوقی، سطح آموزش و شاخص‌های فرهنگی ازجمله فاصله قدرت، فردگرایی، مرد گرایی و اجتناب از عدم اطمینان ازجمله مهم‌ترین عوامل محیطی هستند که باید اثر آن‌ها بر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی موردبررسی قرار گیرد.

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از آزمون فرضیه اول، وضعیت بازار سرمایه بر انتخاب الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تأثیر معنی‌داری ندارد. در این راستا، عدم تائید فرضیه اول با یافته‌های پژوهش زهری و چعیبی[1] (۲۰۱۳) مطابقت دارد؛ این نتیجه اگرچه برخلاف مبانی نظری و انتظارات اولیه پژوهش می‌باشد اما مطابق با دیدگاه خدمات مالی

1 Zehri & Chouaibi

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-20]

می‌باشد. این دیدگاه اعتقاد دارد که بحث برتری نظام مالی بانک پایه و بازار پایه بر یکدیگر در درجه دوم اهمیت قرار دارد. آنچه در مرحله نخست اهمیت دارد توانایی نظام مالی برای بهبود فرآیند انتشار اطلاعات و کاهش هزینه معاملات است و اینکه این خدمت توسط بانک‌ها ارائه خواهد شد یا بازار سرمایه اهمیت چندانی ندارد. ازنظر طرفداران دیدگاه خدمات مالی این مسئله غیرممکن است که بتوان رشد سریع‌تر اقتصادی و به‌تبع آن توسعه سیستم حسابداری یک کشور در مقایسه با کشور دیگر را تنها با تکیه بر نوع نظام مالی کشورها و بدون توجه به کارایی نظام مالی در ارائه خدمات تبیین کرد (صالح‌آبادی، ۱۳۹۰).

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از آزمون فرضیه دوم، وضعیت رشد اقتصادی بر انتخاب الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تأثیر معکوس و معنی‌داری دارد. در این راستا، تائید فرضیه دوم (به‌صورت رابطه معکوس) با یافته‌های پژوهش زگال و مدبی (۲۰۰۶)، لاسمین (۲۰۱۱)، شیما و یانگ (۲۰۱۲) و استینبنک (۲۰۱۴) مطابقت ندارد. این موضوع نشان‌دهنده آن است که احتمال پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در کشورهای دارای رشد اقتصادی پایین نسبت به سایر کشورها بیشتر می‌باشد. این موضوع به دلیل توجه این کشورها به پیامدهای اقتصادی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی از قبیل رشد اقتصادی می‌باشد (خوش‌طینت و رحیمیان، ۱۳۸۳).

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از آزمون فرضیه سوم، وضعیت باز بودن اقتصاد بر انتخاب الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تأثیر معنی‌داری ندارد. در این راستا، عدم تائید فرضیه سوم با یافته‌های پژوهش پریکوپ (۲۰۱۶) و خدادادی و همکاران (۱۳۹۵) مطابقت دارد. این نتیجه اگرچه برخلاف مبانی نظری و انتظارات اولیه پژوهش می‌باشد اما از دیدگاه نظریه نهادگرایی قابل تفسیر است. طبق این نظریه، هم‌شکلی و تناظر نهادی ناشی از فشارهای هم‌زمان عوامل اجباری، تقلیدی و هنجاری می‌باشد اما چون در پژوهش حاضر تأکید بر عوامل اجباری بود لذا نباید نقش عوامل تقلیدی و هنجاری را هم در پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی نادیده گرفت؛ به‌عبارت‌دیگر ممکن است کشورهای دارای اقتصاد غیررقابتی و بسته نیز برای جلب نظر نهادهای بین‌المللی و جذب سرمایه‌های خارجی، در یک فرآیند الگوبرداری و تقلید از کشورهای دارای اقتصاد باز و بدون توجه به زیرساخت‌های لازم در داخل کشور به‌صورت داوطلبانه و غیراجباری نسبت به پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی اقدام نمایند.

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از آزمون فرضیه چهارم، وضعیت نظام حقوقی بر انتخاب الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تأثیر معنی‌داری ندارد. در این راستا، عدم

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-20]

تائید فرضیه چهارم با یافته‌های پژوهش شیما و یانگ (۲۰۱۲) و دیما، دیما، مولداون و پرتی[1] (۲۰۱۳) مطابقت ندارد. این نتیجه برخلاف مبانی نظری و انتظارات اولیه پژوهش می‌باشد اما باید توجه داشت علت طبقه‌بندی نظام‌های حقوقی به دو دسته عرفی و مدنی برای آسان کردن مطالعه تطبیقی نظام‌های حقوقی می‌باشد و در این زمینه هنوز توافقی جمعی به دست نیامده و هر یک از نویسندگان مبنای خاصی را برای خود انتخاب می‌کنند لذا در حال حاضر طبقه‌بندی‌های متفاوتی از نظام‌های حقوقی مطرح شده است (کاتوزیان، ۱۳۹۴). علت این موضوع کشورهایی هستند که جای دادن آن‌ها دریکی از این نظام‌های حقوقی قدری مشکل است؛ یعنی این دسته از کشورها به بیش از یک نظام حقوقی شباهت دارند. شاید بتوان این نوع کشورها را واجد یک نوع نظام حقوقی مختلط دانست. (واکاوی نظام‌های حقوقی، ۱۳۹۷). براین اساس می‌توان اظهار داشت اگرچه به لحاظ نظری در نظام حقوق عرفی تمایل بر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در مقایسه با نظام حقوقی مدون بیشتر می‌باشد اما به دلیل وجود نظام حقوقی مختلط در کشورهای گوناگون، لازم است طبقه‌بندی‌های دیگری از نظام‌های حقوقی مطرح و رابطه آن‌ها با پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی مطالعه گردد.

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از آزمون فرضیه پنجم، وضعیت سطح آموزش بر انتخاب الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد. در این راستا، تائید فرضیه پنجم با یافته‌های پژوهش زگال و مدبی (۲۰۰۶)، آرچامبالت و آرچامبالت (۲۰۰۹)، شریف[2] (۲۰۱۰)، جاج، لی و پینسکر[3] (۲۰۱۰)، لاسمین (۲۰۱۱)، شیما و یانگ (۲۰۱۲)، زهری و چعیبی (۲۰۱۳)، نورابی[4] (۲۰۱۵) مطابقت دارد. براین اساس می‌توان اظهار داشت؛ یکی از عوامل مؤثر بر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی سطح تخصص و تجربه افراد در مواجه با این استانداردها می‌باشد.

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از آزمون فرضیه اصلی ششم و فرضیه‌های فرعی مربوطه، شاخص فاصله قدرت تأثیر مثبت و معنی‌دار، شاخص فردگرایی و اجتناب از عدم اطمینان تأثیر معکوس و معنی‌دار بر انتخاب الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی دارند. همچنین شاخص مرد گرایی، بر انتخاب الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تأثیر معنی‌داری ندارد. در این راستا، نتایج فرضیه‌های مربوط به شاخص مرد گرایی با

1 Dima, Dima, Moldovan and Pirtea
2 Sharif
3 Judge, Li and Pinsker
4 Nurunnabi

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-20]

یافته‌های پژوهش کلیمنت و همکاران (۲۰۱۰) مطابقت دارد و در زمینه شاخص اجتناب از عدم اطمینان با یافته‌های پژوهش شیما و یانگ (۲۰۱۲) مطابقت ندارد. براین اساس می‌توان اظهار داشت؛ کشورهای دارای فاصله قدرت بالا، فردگرایی پایین (جمع‌گرا) و اجتناب از عدم اطمینان پایین تمایل بیشتری بر پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی دارند. ضمناً عدم تأثیر شاخص مرد گرایی بر انتخاب الگوی پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی برخلاف مبانی نظری و انتظارات اولیه پژوهش می‌باشد اما باید توجه داشت که طبق جدول (۳) میانگین شاخص مرد گرایی درکشورهای مورد مطالعه ۴۶،۸۱ که نزدیک به متوسط یعنی عدد ۵۰ می‌باشد که می‌تواند بیانگر برابری ویژگی مرد گرایی و زن‌گرایی درمجموع کشورهای موردمطالعه و عدم رد یا تائید شاخص مرد گرایی به‌عنوان عامل مؤثر در پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی گردد.

۹- پیشنهادها و محدودیت‌های پژوهش

به‌طورکلی نتایج پژوهش بیانگر این است که کشورهای گوناگون در پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری صرفاً به پیامدهای اقتصادی آن توجه نمی‌کنند بلکه شرایط محیطی کشورها نیز نقش مهمی در همگرایی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی ایفا می‌نماید. با توجه به نتایج حاصل از پژوهش به تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری و تنظیم‌کنندگان مقررات بازار سرمایه پیشنهاد می‌گردد قبل از اتخاذ تصمیم درزمینه همگرایی با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی به شرایط محیطی کشور توجه ویژه‌ای نموده و بسترهای قانونی، حقوقی و آموزشی لازم را فراهم نمایند. همچنین شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار و سایر شرکت‌های غیر بورسی که به دنبال دستیابی به پیامدهای مثبت اقتصادی ناشی از پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی می‌باشند می‌بایست توجه داشته باشند که دستیابی به این پیامدها از طریق تعامل این استانداردها و شرایط محیطی کشورها به دست می‌آید. پژوهش حاضر همچنین با محدودیت‌هایی مواجه بود. مهم‌ترین محدودیت پژوهش مربوط به وضعیت پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی توسط کشورها می‌باشد. ازآنجایی‌که این اطلاعات از وب‌سایت اینترنتی بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی استخراج‌شده است، امکان تائید درستی این داده‌ها از طریق مقایسه با سایر بانک‌های اطلاعاتی وجود ندارد. اگرچه برخی مؤسسات مانند موسسه دیلویت نیز اقدام به انتشار گزارشی در مورد وضعیت پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در کشورها مختلف کرده‌اند اما در اکثر مواقع این نهادها به گزارش‌های یکدیگر ارجاع می‌دهند.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-20]

۱۰- منابع

اعتمادی، حسین؛ سحر سپاسی و وحید احمدیان. (۱۳۹۶). فرا تحلیل پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری، **فصلنامه پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی** ۶ (۱۱): ۱۳۰-۸۵.

بنی مهد، بهمن. (۱۳۹۰). بررسی عوامل تأثیرگذار بر اظهارنظر مقبول حسابرس، **فصلنامه بورس اوراق بهادار** ۴(۱۳): ۸۳-۵۹.

پورحیدری، امید، و سیمین راجی‌زاده. (۱۳۹۰). بررسی دانش‌ها و مهارت‌های موردنیاز حرفه حسابداری و فاصله آن با آموزش‌های حسابداری فعلی در ایران، **فصلنامه حسابداری مالی** ۳(۱۱): ۷۱-۵۱.

حسینی، سید یعقوب، و علی‌رضا ضیائی. (۱۳۹۳). **آمار نا پارامتریک و روش پژوهش**، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

خدادادی، ولی؛ سیدعلی واعظ و علی رودبار شجاعی. (۱۳۹۵). عوامل مؤثر بر پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری در کشورهای درحال‌توسعه، **فصلنامه حسابداری مالی** ۸(۳۰): ۱۴۲-۱۲۲.

خوش‌طینت، محسن، و نظام‌الدین رحیمیان. (۱۳۸۳). هماهنگ‌سازی استانداردهای حسابداری، **فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی** ۲(۶): ۱۱۲-۸۳.

دیانتی دیلمی، زهرا. (۱۳۹۵). **روش تحقیق در حسابداری**، چاپ سوم، تهران: انتشارات عدالت نوین.

دیگان، کریگ، و جفری آنرمن. (۱۳۹۱). **تئوری حسابداری مالی**، ترجمه: علی پارسائیان، چاپ اول، تهران: انتشارات ترمه.

ریاحی بلکویی، احمد. (۱۳۹۲). **تئوری‌های حسابداری**، ترجمه: علی پارسائیان، چاپ اول، تهران: انتشارات ترمه.

صالح‌آبادی، علی. (۱۳۹۰). بررسی رابطه درجه توسعه‌یافتگی و ساختار نظام مالی با رشد اقتصادی، **فصلنامه بورس اوراق بهادار** ۳(۱۱): ۸۹-۶۱.

عطرکار روشن، صدیقه، و زهرا هاشمی. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر باز بودن تجارت بر فقر در ایران با رویکرد سیستم معادلات هم‌زمان، **فصلنامه نظریه‌های کاربردی اقتصاد** ۳(۱): ۲۰۴-۱۸۳.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-20]

کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۴). **مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران**، چاپ یک‌صد و سوم، تهران: شرکت سهامی انتشار

گراوند، محمد. (۱۳۹۳). همگرایی بین‌المللی و پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، **فصلنامه مطالعات حسابداری و حسابرسی** ۴(۱۴): ۱۱۷-۱۰۳.

گلریز، حسن. (۱۳۹۰). **فرهنگ توصیفی اصطلاحات پول، بانکداری و مالیه بین‌المللی**، چاپ چهارم، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر

واکاوی نظام‌های حقوقی (۱۳۹۷). قابل‌دسترسی از **https://ius.center**.

هچ، ماری جو. (۱۳۹۳). **نظریه سازمان مدرن نمادین تفسیری و پست‌مدرن**، ترجمه: حسن دانایی‌فرد، چاپ هفتم، تهران: انتشارات کتاب مهربان.

Adhikari, A., and R.H. Tondkar. (1992). Environmental Factors Influencing Accounting Disclosure Requirements of Global Stock Exchanges. **Journal of International Financial Management and Accounting** 4(2): 75–105

Archambault, J.J., and M.E. Archambault. (2009). An Analysis of Social Factors Influencing the Adoption of International Financial Reporting Standards of International Financial Reporting Standards. **Journal for Global Business Advancement** 2(1-2): 38-53.

Arpan, J.S., and L.H. Radebaugh. (1985). **International Accounting and Multinational Enterprising**. New York: Wiley.

Chan, K.H., K.Z. Lin, and P.L.L. Mo. (2003). An Empirical Study on the Impact of Culture on Audit-Detected Accounting Errors. **AUDITING: A Journal of Practice and Theory** 22(2): 281–295.

Clements, C.E., J.D. Neill, and O.S. Stovall. (2010). Cultural diversity, country size, and the IFRS adoption decision. **Journal of Applied Business Research** 26(2): 115.

Dima, B., S. Dima, N.C. Moldovan, and M.G. Pirtea. (2013). National Legislative Systems and Foreign Standards and Regulations: The Case of International Financial Reporting Standards adoption. **Economic Research-Ekonomska Istraživanja** 26(3): 15–30.

Dima, S.M., B. Dima, O. Megan, and L. Paiusan. (2014). A discussion over IFRS'adoption in Islamic countries. **Accounting and Management Information Systems** 13(1): 35.

Doupnik, T.S., and S.B. Salter. (1995). External environment, culture, and accounting practices: a preliminary test of a general model of

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-20]

international accounting development, **The International Journal of Accounting** 30: 189-207.

Hegarty, J., F. Gielen, and A. Barros. (2004). **Implementation of international accounting and auditing standards: Lessons learned from the World Bank's Accounting and Auditing ROSC Program**, World Bank, viewed on 15 Oct 2008. World Bank Group. Google Scholar.

Hofstede, G. (1980). **Culture's Consequences**, Sage Publications, Beverley Hills.

IFRS Foundation. (2016). **Who uses IFRS Standards?,** Retrieved fromhttps://www.ifrs.org/use-around-the-world/use-of-ifrsstan dards -by-jurisdiction/

Jaggi, B., and P.Y. Low. (2000). Impact of culture, market forces, and legal system on financial disclosures. **The international journal of accounting** 35(4): 495-519.

Judge, W., S. Li, and R. Pinsker. (2010). National adoption of international accounting standards: An institutional perspective. **Corporate Governance: An International Review** 18(3): 161-174.

La Porta, R., F. Lopez-de-Silanes, A. Shleifer, and R.W. Vishny. (1997). Legal determinants of external finance. **The journal of finance** 52(3): 1131-1150.

La Porta, R.L., F. Lopez-de-Silanes, A. Shleifer, and R.W. Vishny. (1998). Law and finance. **Journal of political economy** 106(6): 1113-1155.

Lasmin, D. (2011). Accounting standards internationalization revisit: Managing responsible diffusion. **Procedia - Social and Behavioral Sciences** 25: 363 -374.

Mir, M., and A. Rahaman. (2005). The adoption of international accounting standards in Bangladesh: An exploration of rationale and process. **Accounting, Auditing and Accountability Journal** 18(6): 816-841.

Nobes, C. (1998). Towards a general model of the reasons for international differences in financial reporting. **Abacus** 34(2): 162-187.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-20]

Nurunnabi, M. (2015). The impact of cultural factors on the implementation of global accounting standards (IFRS) in a developing country. **Advances in accounting** 31(1): 136-149.

Pricope, C.F. (2016). The role of institutional pressures in developing countries. Implications for IFRS. **Theoretical and Applied Economics** 23(2).

Radebaugh, L.H., and S.J. Gray. (1997). **International Accounting and Multinational Enterprises**, 4th Edition, John Wiley, New York.

Sharif, H.P. (2010). **Factors affecting on the Adoption of International Financial Reporting Standards:** Iraqi Evidence (Doctoral dissertation, University Utara Malaysia).

Shima, K.M., and D.C. Yang. (2012). Factors affecting the adoption of IFRS. **International Journal of Business** 17(3): 276.

Stainbank, L.J. (2014). Factors influencing the adoption of international financial reporting standards by African countries. **South African Journal of Accounting Research** 28(1): 79-95.

Zeghal, D., and K. Mhedhbi. (2006). An analysis of the factors affecting the adoption of international accounting standards by developing countries. **The International Journal of Accounting** 41(4): 373-386.

Zehri, F., and J. Chouaibi. (2013). Adoption determinants of the International Accounting Standards IAS/IFRS by the developing countries. **Journal of Economics Finance and Administrative Science** 18(35): 56-62.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-20]